****

[ادامه بررسی و رفع تعارض روایات 1](#_Toc487716846)

[خلاصه نظر مختار 3](#_Toc487716847)

**موضوع**: احکام سعی /سعی /حج

**خلاصه مباحث گذشته:**

متن خلاصه ...

## ادامه بررسی و رفع تعارض روایات

جواب دیگری که به ذهن اقرب است، این است که بگوییم تعارض بین این روایات، مشکلی در نتیجه فقهی اشکال نمی کند، توضیح این که؛ اگر خطابی بگوید اکرم کل عالم و دو خطاب دیگر یکی بگوید لاتکرم العالم الفاسق و دیگری لاتکرم العالم العادل، ابتداء به ذهن می رسد که دو خاص با عام تعارض می کنند، زیرا خاصین مستوعبین للعام هستند، اما با دقت معلوم می شود که محتمل نیست که اکرام عالم عادل واجب نباشد اما اکرام عالم فاسق واجب باشد، اما عکس آن محتمل است، پس لاتکرم العالم الفاسق طرف معارضه نیست و در واقع تعارض ثنائی است، یا اکرم کل عالم درست نیست و یا اگر درست باشد، قدر متیقن از آن اکرام عالم عادل است، و لاتکرم العالم العادل نباید درست باشد، اما لاتکرم العالم الفاسق بدون معارض حجت است.

البته در این مثال اگر نسبت به اکرام عالم عادل، عام فوقانی داشتیم به آن رجوع می کنیم و گرنه به اصل برائت جاری می کنیم.

در ما نحن فیه نیز عام می گوید من طاف ثمانیة اشواط اعاد السعی و دو مخصص دارد یکی در صورت زیاده جهلی و دیگری در صورت زیاده سهوی حکم به عدم وجوب اعاده می کند، به تسالم فقهی و ارتکاز متشرعی، زیاده سهوی امرش اسهل از زیاده جهلی است و لذا تسالم شیعه (و حتی ادعاء اجماع عامه شده است) بر عدم ابطال سعی به زیاده سهوی است، اما در زیاده جهلی اختلاف است، لذا تعارض بین دلیل وجوب اعاده سعی و دلیل عدم وجوب اعاده در صورت جهل می­شود و تعارض و تساقط می کنند، اما دلیل وارد در زیاده سهویه بلامعارض است، در زیاده سهوی بر طبق روایات وارده در زیاده سهوی عمل می کنیم، اما در زیاده عمدی و جهلی، تارة می گوییم صحیحه عبد الله بن محمد مختص به زیاده عمدیه است، کما عن السید الخوئی، در این صورت طبعا حکم به وجوب اعاده در زیاده عمدیه می­شود، علاوه بر تسالم قطعی اصحاب بر ابطال سعی به زیاده از روی علم و عمد و در زیاده جهلیه به اصل برائت رجوع می کنیم، علاوه بر اطلاقات اولیه که می گفت هفت شوط سعی کنید که اطلاقش می گوید لابشرط است و بیشتر شدن از هفت شوط اشکالی ندارد.

و اخری صحیحه عبد الله بن محمد را مطلق می دانیم، در این صورت تارة می گوییم فرقی بین صحیحه عبد الله بن محمد و صحیحه معاویة بن عمار که می گفت من طاف ثمانیة فلیستانف السعی نیست و هر دو طرف معارضه با روایات عدم مبطلیت سعی به زیاده جهلی و سهوی هستند، در این صورت جواب این است که زیاده سهوی از طرف معارضه خارج است و زیاده عمدیه هم دلیل لفظی بر بطلان ندارد، لسقوطهما بالمعارضة مع ادلة عدم البطلان بالزیادة السهویة و الجهلیة و بعد از تعارض، در زیاده عمدیه حکم به بطلان سعی به جهت تسالم قطعیه می کنیم و در زیاده جهلیه، اصل برائت یا اطلاقات، محکّم است.

و اخری می گوییم صحیحه عبد الله بن محمد اختصاص به زیاده عمدیه ندارد و لکن لسان آن با لسان صحیحه معاویة بن عمار متفاوت است و طرف معارضه با روایات زیاده عن جهل او سهو نیست، زیرا ما گفتیم گاهی مولا در مقام تعلیم شرایط واجب است و می گوید من زاد فی سعیه فعلیه الاعادة و گاهی بعد از اتمام سعی عده ای می گویند شوطی زیاده آوردیم و جواب می شنوند که اشکالی ندارد، اگر مولا در مقام تعلیم شرایط واجب باشد، گرچه عام مثل صحیحه عبد الله بن محمد شامل عامد و جاهل و ناسی می شود، اما به مخصص ثانوی می توان زیاده از روی جهل و سهو را از آن خارج نمود و گرچه زیاده عمدی نادر است، اما فایده خطاب این است که به سبب همین خطاب و در طول همین خطاب، مردم ترک زیاده عمدیه می کنند و لولا این خطاب عام، افرادی که زیاده عمدیه می آورند، نادر نمی شدند و لذا این خطاب لغو یا مستهجن نخواهد بود.

اما ظاهر صحیحه معاویة بن عمار این است که فرض کرده واقعه ای رخ داده و فرموده اگر کسی هشت شوط آورده است، باید اعاده سعی کند، یعنی بعد از وقوع می خواهد علاج کند و حمل آن بر عالم عامد مستهجن است.

طبق این بیان، صحیحه عبد الله بن محمد، عام فوقانی می شود، صحیحه معاویة با صحیحه هشام، تعارض می کند، و در زیاده عن جهل، به عام فوقانی که صحیحه عبد الله بن محمد است رجوع می شود، زیرا طرف معارضه نشد، و طبعا باید ملتزم شویم که زیاده از روی جهل در طواف مطلقا مبطل است و مطابق با احتیاط هم می باشد، در زیاده سهویه هم که دلیل بر عدم مبطلیت آن داریم.

البته اگر استظهار ما از صحیحه هشام به قرینه تعلیل این باشد که زیاده مطلقا مبطل نیست، با صحیحه عبد الله بن محمد معارض می شود، اما اگر بگوییم صحیحه هشام بعد از وقوع زیاده می خواهد علاج عمل واقع شده را بکند، و کسانی که در آن واقعه زیاده آورده بودند که عالم عامد نبودند، از زیاده عالما عامدا انصراف خواهد داشت و لذا جواب مذکور مفید خواهد بود.

### خلاصه نظر مختار

لذا خلاصه نظریه مختار این می شود که زیاده عمدیه مبطل در سعی است و زیاده سهویه هم مبطل نیست و در ابطال به زیاده جهلیه اشکال است و احتیاط در اعاده است.